

لازمه پیروزی نهضت اسلامی در فلسطین

سید محمد جواد مهری

بی وقفه و ا می دارند.

وظیفه خطیر روحانیون

این حرکت جدید که تاریخش شباهتی به دوران عزالدین قسام دارد، نیاز به این دارد که تمام روحانیون منطقه اشغالی راه عزالدین قسام را با دیدی وسیعتر و جهشی محکم تر و نظری فراتر، ادامه دهند و حال که میدان کارزار با شعله های فروزان انقلاب اسلامی روشن و مشتعل شده که راه را برای پیوندگان روشن کرده و کاسخهای دشمنان اشغالگر را می سوزاند، و حال که کلیات مسئله با رهبری حکیمانه امام مسلمین خمینی بزرگ برای عموم مردم، مسلم و قطععی شده جا دارد که روحانیون فلسطین، این راه مقدس را فاطمانه ادامه دهند و تحت هیچ شرایطی بازگشت نداشته باشند چرا که دشمن، امروز خیلی بیدارتر و هوشیارتر از دوران عزالدین قسام است و سلاحها کوبنده تر و مدرن تر ولی مطمئن باشند که هیچ سلاحی کوبنده تر از ایمان نیست، پس لازمۀ پیروزی این است که نخست ملت فلسطین خود را بیابند و بدانند چه کاره اند؟ و برای چه آرمانی می جنگند؟ و در مرتبۀ دوم باید بی وقفه نهضت را ادامه دهند و با تاکتیکهای شورشگرانه، تمام نقشه های سیاسی و نظامی متجاوزین را نقش بر آب نمایند.

و این تکیه کردن بر روحانیون و رهبریت آنها برای این است که امروز بر تمام مسلمانان مبارز ثابت شده است، تنها راهی که به پیروزی می رسد، راهی است که از دروازه مسجد ها می گذرد و تنها طایفه ای که توان برافراشتن پرچم مسجد را بر فراز خیابان ها دارند

با شعارهای آتشین! خود نه تنها کاری را از پیش نبردند بلکه هرگز نتوانستند، انگیزۀ واقعی را در مردم برای مبارزه جدی با دشمن به وجود آورند و دشمن نیز هیچ وقت از آنها وحشت و هراسی بدل راه نداد چرا که میدانست چیزی ورای سخنرانی و مصاحبه و شعار آن هم در محدوده عربی بودن قضیه فلسطین وجود ندارد و لذا در تمام دوران ریاست منافقانه عرفات و باراناش، بکبار هم دیده نشده است که یک مسئول اسرائیلی از تمام قوا و احزاب موجود در کشور بخواهد که اختلاف ها و دشمنیهای گذشته را کنار بگذارند و جدأ وارد میدان کارزار شوند و با تمام قوا در برابر چند نفر مسلمان بی سلاح که تنها فریاد «الله اکبر» را سر می دهند، ایستادگی و مقاومت کنند. و این عمق قضیه را نشان می دهد.

پیوند مسجد و صحنه سیاست آنچه در این فترت حماس از تاریخ فلسطین دیده می شود این است که امروزه میدان سیاسی فلسطین را نه چند حزب سیاسی صرف اشغال کرده و نه چند گروه ناسیونالیست بلکه میدان سیاست با مسجد پیوندی ناگسستی خورده و این چیزی است که دشمن را سخت به وحشت و هراس انداخته است. امروز یک وحدت و هماهنگی و انسجام واضحی در این میدان دیده می شود که کار را با عبادت و عبادت را با سیاست و نماز را با جهاد و جهاد را با پرخاش پیوند داده است و تنها چیزی که قطعاً این میدان سیاسی را محکم تر و مقاوم تر می نماید، رهبریت روحانیونی است که این پیوند را مقدس شمرده و آن را به حرکت

اعتراف به شکست

اسحاق شامیر نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس تمام احزاب صهیونیستی را به همدستی و یکپارچگی و وحدت فرا خواند و از آنان خواست تا در این موقعیت حماس که از هر زمانی حساسیتش بیشتر است، تمام دشمنی ها و اختلافهای فیما بین را فراموش کنند و هماهنگ با ارتش اسرائیل و پشت سر آنها در برابر این قیام خطرناکی که کرانه غربی و غزه و برخی دیگر از شهرها را فرا گرفته است، مقاومت و ایستادگی کنند. وی اضافه کرد:

«حزب کارگزار خط خودش منحرف شد هنگامی که پرچم صلح را برافراشت به این امید که به تنهایی بتواند بر اسرائیل حکومت کند».

وی ضمن اینکه پس از گذشت چندین روز از تظاهرات ملت مسلمان فلسطین، اعتراف به شکست نیروهای خویش کرد، افزود: «سیاست صلح طلبانه ای که برخی از احزاب اسرائیلی پیش گرفته اند و موافقت خود را به بازگشت به مرزهای پیش از جنگ ۱۹۶۷ اعلام داشته اند، نمی تواند جهان عرب را به نوعی دوستی و مسالمت با اسرائیل وادارد.»

این سخنان که ضمن اعتراف به عجز و شکست، منتصن درخواست عاجزانه از تمام قوای ضد اسلامی در فلسطین اشغالی برای مقابله با فلسطینیان مبارز می باشد و این در حالی صورت می گیرد که میدان مبارزه منحصر به چند نفر سیاست باز دورو نیست که



روحانیون هستند، پس باید روحانیون پیشاپیش مردم گام بردارند و مردم را به سوی مبارزه فرا خوانند و چقدر جالب است که این روزها همین معنی در فلسطین مشاهده می شود، چند روز پیش بود که شیخ عبدالعزیز عوده یکی از روحانیون مبارز فلسطین در مسجد جلو مردم ایستاد و با صدای بلند فریاد برآورد: «جهاد تنها راه پیروزی است و فلسطین فقط از راه جهاد اسلامی پیروز می شود و لا غیر» و مردم هم همصدا همین واژه مقدس (جهاد) را تکرار کردند.

مقاومت همگانی

در هر صورت، پر واضح است که تا مقاومت فلسطین همگانی و مردمی نباشد و بیرو برنا، زن و مرد، کوچک و بزرگ و تمام افشار در آن شرکت نورزند، چندان امیدی به پیروزی نمی رود، بویژه اینکه منافقان بین المللی در چهره ها و قیافه های گوناگون برای منحرف کردن مسیر انقلابی و خالی نمودن صحنه، به حرکت در آمده اند و با پراکندن شایعه ها و ایجاد حالت پانس و نومی، تلاش گسترده ای را آغاز کرده اند ولی با این حال آنچه بیش از همه ما را امیدوار می سازد، این است که این بار نه تنها دانشگاهیان و کارگران به میدان کارزار گام گذاشته اند که نوجوانان و نونهالان فلسطین که معدل سنی آنان از ۱۵ سال تجاوز نمی کند و از روز ولادت با محرومیت و تحت فشار و اختناق فوق العاده رشد کرده اند و تجاوزات اسرائیل را با تمام وجود لمس کرده اند و فریکارهای دغلبازان انقلابی نما را احساس نموده اند و تنها راه رهایی را در زیر

پرچم اسلام می دانند، ایشان امروز صحنه کارزار را بدست توانای خود گرفته اند و همانگونه که در فیلم ها مشاهده می کنیم، بدون هیچ خوف و وحشتی در برابر گلوله ها و بمب های آتشزا و گازهای شیمیایی، با شهامتی بی نظیر ایستادگی کرده، دشمن را به ستوه آورده اند، و ضمناً از آگاهی و هشباری سیاسی فوق العاده ای برخوردارند که ابدی رود هرگز عقب نشینی نکرده از پای نشینند.

آغاز قیام

جالب این است که این حرکت نوین نیز با به شهادت رسیدن یکی از دانش آموزان مدرسه «مخیم جالبیا» توسط گلوله های اسرائیلی آغاز شد. برپایه از این قرار بود که نوجوانان این مدرسه به تظاهرات نسبتاً آرامی دست زدند که رژیم برای پیشگیری و جلوگیری از گسترده شدن تظاهرات و شورش، با تیراندازی به نونهالان مسلمان حمله ور شد و یک دانش آموز را شهید و بیش از ۳۰ شاگرد دیگر را مجروح ساخت؛ غافل از اینکه این وحشیگری، مقدمه حرکتها و تظاهرات های گسترده تری خواهد شد، همانگونه که در ۱۹ دی ۵۶ تظاهرات آرام طلاب و مردم مسلمان قم به خون کشیده شد و حرکت ادامه داشت تا سرنگونی رژیم منحط پهلوی.

بهر حال، بکفته پس از وقوع این تظاهرات خونین؛ در «نابلس» تظاهرات دیگری بر پا شد

که آنجا نیز دانش آموزان و نوجوانان نقش عمده را ایفا می کردند و یکی دیگر از شاگردهای مدرسه به شهادت رسید.

فردای آن روز، حادثه شکل دیگری به خود گرفت. مردم خشمگین نابلس که آماده برگزاری نماز جمعه در مسجد «مخیم بلاطه» می شدند، با فریادهای «الله اکبر» به ارتش تا دندان مسلح رژیم یورش بردند. رژیم که سراسیمه شده بود و توقع چنین حرکت مردمی را نداشت، در حالی که نیروهای مسلحش، مسجد را احاطه کرده بود، وحشت زده به مردم حمله کرد و گروه زیادی را به خاک و خون کشید که منجر به کشته و زخمی شدن افراد زیادی شد. مجروحین با آمبولانسها و با ماشین های شخصی هموطنان به بیمارستان نابلس منتقل شدند و موج جمعیت به هدف خون رساندن به مجروحین روانه بیمارستان گردیدند.

نیروهای امنیتی باز هم ناشیگری کرده، به طرف مردم آتش گشود و دگربارتنی چند به شهادت رسیده و گروه زیادی مجروح شدند. و بدینسان قیام مسلمانان فلسطین جلوه گر شد و تمام شهرها را تا قلب قدس فسرا گرفت. و هر چه وحشیگری رژیم زیادتر می شد، بر عدد تظاهرکنندگان افزوده می شد؛ از آن طرف نیروهای صهیونیستی با بمب و گلوله و با استفاده از تاکتیکهای زمان جنگ و آوردن سلاح سنگین به خیابانها و از این طرف مردم



کوچه و بازار و مدرسه با سنگ و چوب و شیشه‌های خالی! و جقدر این تظاهرات مردمی به تظاهرات مسلمانان ایران در چند ماهه آخر عمر رژیم بهلوی شباهت دارد، گویانکه اگر در آن دوران برخی از مردم کنار می‌کشیدند، امروز در فلسطین، همه هموطنان فلسطینی در تظاهرات شرکت می‌کنند و نه تنها واحدهای از بمب‌ها و گلوله‌ها ندارند که با سینه‌های خود به استنقبال شهادت می‌روند و این شهادت طلبی که رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود، امروز در فلسطین نیز به چشم می‌خورد.

استفاده از حرابه زنگ زده
و همانگونه که عوامل رژیم مزدور بهلوی سعی داشتند، حرکت مردم مسلمان ایران را کوچک جلوه دهند و آن را وابسته به چند نفر فریب خورده! یا چپ‌گرا! معرفی نمایند، رژیم صهیونیستی نیز در آغاز از همین حرابه استفاده کرد و این قیام مردمی را یک حرکت شایزده

چند بقیه افراطی و فریب خورده! معرفی نمود و طی بیاتیه‌ای چنین وانمود کرد که اینان از خارج، دستگیر گرفته بودند و دولت آنها را سرچای خود نشانده! ولی هنگامی که ملاحظه کردند حرکت، تمام افشار فلسطینی را دور گرفته و روز بروز بر عدد انقلابیون اضافه می‌شود، رسانه‌های گروهی نتوانستند این قیام بزرگ را نادیده بگیرند لذا با تیر درشت در صفحات اول روزنامه‌ها و مجلات خود آن را «قیام مردمی»، خواندند! که این سخن حق بر رژیم خیلی گران تمام شد تا آنجا که شامیر حتی به روزنامه‌های خودشان نیز تفرین کرد و گلابه نمود. ولی پس از فراگیری قیام، خود او نیز ناچار به اعتراف شد و از تمام احزاب صهیونیستی با التماس و لابه درخواست کمک کرد.

یکی از استادان دانشگاه قدس با بررسی ابعاد و جوانب این حرکت و قیام مردمی، و مقایسه آن با حرکت‌های گذشته، آن را بزرگترین و خطرناکترین قیام از آغاز اشغال فلسطین تا

امروز خواند و افزود: «اگر این حرکت که زنها و کودکان را نیز دربر گرفته است، به همین نحو ادامه پیدا کند، جامعه اسرائیلی را از هم می‌پاشد!»

در هر صورت باز هم احتمال این می‌رود که ورشکستگان سیاسی برای مطرح کردن دوباره خودشان و سوء استفاده از خون شهیدان، با همان شعارهای رنگارنگ گذشته، با درمیانی کنند و با قیافه‌های سالوس مآبانه حرکت مردم فلسطین را لوث و با منحرف نمایند که این بزرگترین خطر برای پامال کردن خون شهیدان فلسطین و سرکوب قیام اسلامی آنان می‌باشد و لذا لازم است محرومین فلسطین به راه اسلامی انسانی خود تا تحقق آرمان مقدس برافراشتن پرچم «لااله الاالله» بر فراز فلسطین ادامه دهند و تحت تأثیر عوامل نفاق و نیرنگ قرار نگیرند هر چند برای آنان اشک تمساح بریزند.